

شهربانو

عروس ایرانی پیامبر (ص)

نویسنده:

علی اصغر رحیمزاده صفوی

سرشناسه:	رحیم‌زاده صفوی، علی اصغر، ۱۲۷۳ - ۱۳۳۸.
عنوان و نام پدیدآور:	شهربانو: عروس ایرانی پیامبر(ص)/ نویسنده: علی اصغر رحیم‌زاده صفوی.
مشخصات نشر:	تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی پر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری:	۴۶۴ص.
شابک:	978-600-8137-11-5
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
عنوان دیگر:	عروس ایرانی پیامبر(ص).
موضوع:	بی‌بی شهربانو -- داستان
موضوع:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع:	داستان‌های تاریخی
رده بندی کنگره:	۱۳۹۴ ش ۹۳ح/ PIR۸۰۵۸
رده بندی دیویی:	۸۶۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۰۸۵۵۶۵

انتشارات پر

- نام کتاب: شهربانو (عروس ایرانی پیامبر(ص))
- نویسنده: علی اصغر رحیم‌زاده صفوی
- صفحه‌آرایی: منیر علیزاده
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵
- تیراژ: ۵۰۰ نسخه
- قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۳۷-۱۱-۵ ISBN: 978-600-8137-11-5

آدرس: خ لبافی نژاد، بین خ دانشگاه و فخررازی، پلاک ۱۷۴ واحد ۳

تلفن: ۰۹۱۲۳۰۲۵۲۰۵ - ۶۶۴۶۶۹۶۵ - ۶۶۴۶۶۳۶۰

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر
۱۱	درباره‌ی نویسنده
۱۳	مقدمه‌ی نویسنده
۱۵	دبیاچه
۱۵	توضیحات جغرافیایی
۲۵	ماه آفرین
۲۵	بخش اول
۲۷	ماه آفرین
۲۷	جنگ در دربار ساسانیان
۳۳	انجمن هم‌گروه
۵۸	فتنه‌ها و دسیسه‌ها
۶۶	نفوذ موسیقی‌شناسان
۶۹	عشق چه‌ها می‌کند
۸۹	قباد مزدکی
۱۰۳	آتشکده‌ی فروغ
۱۱۸	ماه آفرین چه شد؟
۱۲۳	اردوی بزرگ ایران

١٢٧ دو مسافر تندرو
١٣٦ راز دل‌ها
١٤٣ در بن غارها
١٤٩ آرمیدخت
١٤٩ بخش دوم
١٥١ آرمیدخت
١٥١ نگاهی به گذشته
١٥٦ دنباله‌ی سخن
١٦٦ بنده آستان سپاد آخشیج
١٧٠ عمرو و قباد
١٨٠ انجمن مردمی
١٩١ سرانجام کار
١٩٤ دیوان انجمن
١٩٨ مروا و مرغوا
٢٠٩ فتوحات اعراب
٢١٨ داستان جنگل‌ها
٢٢٦ جنبش ایرانیان
٢٣٢ در لشکرگاه ایران
٢٣٥ جاسوس ایران
٢٣٨ درفش کاویان
٢٤٣ بخت واژگون
٢٥١ سرگذشت شهریانو
٢٥١ بخش سوم
٢٥٣ سرگذشت شهریانو
٢٥٣ تالار گلستان

۲۶۸.....	تباهی ایران
۲۷۶.....	رازهای نهانی
۲۸۷.....	طلسم هفت بند
۲۹۳.....	سحر بابل و شاه حیره
۳۰۲.....	تاجگذاری یزدگرد
۳۰۸.....	آیین تاجگذاری
۳۱۳.....	جرگه‌ی نابکاران
۳۱۸.....	شهربانو
۳۲۸.....	نخستین نامه‌ی سفیر هند به مهاراجه‌ی دکن
۳۳۰.....	جنگ به‌دینان با نودینان
۳۳۹.....	خانه‌ی زندیقان
۳۵۰.....	دین‌داری عماد
۳۵۴.....	دومین نامه‌ی سفیر هند به پادشاه خود
۳۵۵.....	سومین نامه‌ی سفیر هند به پادشاه خود
۳۵۸.....	نادیده عاشق می‌شود
۳۶۳.....	مقدمات جنگ
۳۶۵.....	چهارمین نامه‌ی سفیر هندوستان به پادشاه خود
۳۶۸.....	دو شاهزاده‌ی دلداده
۳۷۶.....	پنجمین نامه‌ی سفیر هندوستان به پادشاه خود
۳۷۷.....	ششمین نامه‌ی سفیر هند به پادشاه خود
۳۸۱.....	نامه‌ی رستم سپهبد ایران
۳۸۴.....	جنگ قادسیه
۳۹۰.....	در دربار
۳۹۲.....	هفتمین نامه‌ی سفیر هندوستان به پادشاه خود
۳۹۸.....	آخرین تصمیم
۴۰۴.....	هشتمین نامه‌ی سفیر هند به پادشاه خود

- ۴۰۶.....شاعر عرب
- ۴۱۶.....احوال مندرشاه
- ۴۲۴.....نهمین نامه سفیر هند به پادشاه خود
- ۴۲۵.....صلح دوم با اعراب
- ۴۳۳.....عروس پیامبر(ص)
- ۴۳۳.....بخش چهارم
- ۴۳۵.....عروس پیامبر
- ۴۳۵.....دهمین نامه‌ی سفیر هند به پادشاه خود
- ۴۴۷.....یازدهمین نامه‌ی سفیر هند به پادشاه خود
- ۴۵۲.....پس از سال‌های دراز
- ۴۵۶.....در خانه‌ی والی ولایت ری
- ۴۶۱.....منابع و مأخذ

سخن ناشر

کتاب حاضر اثر ارزشمند نویسنده‌ی معاصر، استاد علی‌اصغر رحیم‌زاده صفوی، می‌باشد که از جانب ایشان به نام **"داستان شهربانو"** معرفی حضور عام گشته است. آنچه در مورد این کتاب لازم دانستم مطرح شود اول منابع بسیار معتبر آن می‌باشد که از حیث تاریخی ارزش کتاب را بالا برده و بعد از آن قلم فصیح و سلیس نویسنده، که با داستان‌سرایی به این قسمت از تاریخ روح و حلاوت خاصی بخشیده است. منابع کتاب طبق آنچه در چاپ کتب مرسوم است، در انتهای کتاب آمده و شامل اسناد جغرافیایی و تاریخی می‌باشد، و در مورد بلاغت و لطافت قلم نویسنده این سخن از ایشان که در مقدمه‌ی کتاب آورده بس: «...نکته دیگری که در این کتاب رعایت شده، این است که هر جا پهلوان یا عروس داستان، ایرانی‌نژاد است، گفتگوی وی تماماً به پارسی سره و عاری از لغات اجنبی نگارش یافته است...».

اما در باب مقدمه‌ای بر کتاب حاضر، استناد بر چند متن از آثار تاریخی نموده و در مورد **"شهربانو، عروس ایرانی پیامبر(ص)"** مطالبی را تشریح می‌نمایم. پس از فتح نهاوند توسط مسلمانان، یزدگرد باز هم رو به گریز نهاد و به سوی خراسان رفت. در آنجا بود که از خاقان چین کمک خواست اما خاقان به عذر دوری راه، از فرستادن کمک خودداری کرد. بعد از آن که یزدگرد در خراسان نیز شکست خورد به سوی نهاوند رفت. اعراب مسلمان، شهربانو و دو شاهزاده خانم دیگر را اسیر کردند و به مدینه آوردند. بر طبق روایات تاریخی، عمر بن خطاب قصد داشت که به رسم آن روزگار آن سه زن را بفروشد ولی علی(ع) به او گفت: «چون پیامبر فرموده است که با بزرگان هر قوم با احترام رفتار کنند حتی اگر کافر باشند، اکنون شایسته نیست که دختران یک پادشاه را بفروشند. من از حق خویش در مورد آنان گذشتم». آن‌گاه سایر افراد بنی‌هاشم نیز از حق خود از آن اسرا که روزگاری پرده‌نشین سرای سلطنتی باشکوه بودند، گذشتند و قرار شد که آن سه شاهزاده خانم، هر یک بر طبق میل خویش، یکی از بزرگان عرب را به همسری

برگزینند. شاهزاده خانمی پیش رفت و در میان بزرگان عرب دست بر شانه‌ی حسین بن علی (ع) گذاشت. علی (ع) از او پرسید نامت چیست؟ شاهزاده مصلحت ندید که نام خود را به درستی بگوید و گفت نامم «شاه‌زنان» است. علی (ع) گفت که تو «شهربانویه» ای و خواهرت «مروارید»، و شما دختران کسری هستید. آن‌گاه آن دو گفتند: آری، چنین است.^۱

عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر در کتاب «قابوس‌نامه» درباره‌ی شهربانو آورده: چنان شنیدم که شهربانو دختری بود خرد؛ شهربانو را اسیر بردند از عجم به عرب. (او گفته) "امیرالمؤمنین عمر"، فرا رسید و فرمود که وی را بفروشد. چون وی را در بیع بردند، امیرالمؤمنین علی (ع) فرارسید و این خبر بداد از رسول صلی الله علیه وسلم: لیس البیع علی ابناءالملوک (فروش دختران پادشاه جایز نیست). چون خبر بداد، بیع از شهربانو برخاست و او را به خانه‌ی سلمان فارسی بنشانند تا به شوی دهند. چون حکایت شوی بر وی عرضه کردند شهربانو گفت، تا من شوی را نبینم به زن او نباشم. وی را بر منظره نشانند و سادات عرب را و یمن را بر وی بگذرانیدند، تا آن کس که او را اختیار افتد به زن او باشد، و سلمان پیش او... چون حسین بن علی (ع) بگذشت، او پرسید و بدانست و گفت: «او درخور من است، شوهر من، او باید که بود، دختر دوشیزه را شوی دوشیزه^۲ باید که بود. من شوی نکرده‌ام و او زن نکرده است».^۳

شهربانو در تاریخ اسلام به اسامی «شاه‌زنان»، «شاه‌جهان»، «شهربانویه»، «جهان‌بانویه»، «فاطمه»، «مریم»، «سلامه سندیه» و «غزاله» خوانده شده است. وی در سال ۳۸ ه.ق. از همسر خود حسین بن علی (ع)، پسری آورد به نام علی که شیعیان او را با القاب «زین العابدین» و «سیدالساجدین» می‌خوانند و کل ائمه معصومین (ع) از صلب ایشان‌اند. درباره‌ی سرانجام زندگی شهربانو عقاید مختلفی وجود دارد. در بحارالانوار، جلد مربوط به زندگی حضرت سجاد(ع)، آمده است که شهربانو در هنگام ولادت آن حضرت فوت کرده است (یعنی پیش از واقعه‌ی کربلا)، اما گروهی معتقدند که شهربانو

۱. مزار بی‌بی شهربانو: دکتر عبدالحسین نوایی، اطلاعات ماهانه، شماره‌ی ۹، آذر ۱۳۲۸، صفحه‌ی ۳۰.

۲. در قدیم به مردی که زن نگرفته بود «شوی دوشیزه» نیز می‌گفتند.

۳. قابوس‌نامه، به اهتمام سعید نفیسی، تهران، ۱۳۶۲، کتاب‌فروشی فروغی، باب ۲۷، صفحه‌ی ۹۹.

در واقعه‌ی کربلا حضور داشته است.^۱ در مورد اخیر نیز دو عقیده رایج است: برخی گویند که شهربانو سوار بر «ذوالجنان» شد و از معرکه‌ی کربلا گریخت، و بعضی دیگر عقیده دارند که شهربانو پس از شهادت حضرت امام حسین (ع) خود را در رودخانه‌ی فرات غرق کرد، که البته مرحوم رحیم‌زاده صفوی نظر اول را پذیرفته است.

مردم عوام داستان زیبایی را در این مورد می‌گویند: «پس از واقعه‌ی کربلا، شهربانو برای آن‌که به دست دشمنان نیفتد، به فرموده‌ی شوهرش بر ذوالجنان سوار شد و گریخت. دشمنان او را تعقیب کردند تا این‌که به ناحیه‌ی ری رسید. چون از اسارت به دست دشمنان هراس داشت، به جای این‌که بگوید «یا هو، مرا دریاب» گفت: «یا کوه، مرا دریاب» که ناگهان کوه شکم خود را باز کرد و آن خاتون را در دل خویش پنهان کرد و فقط گوشه‌ی چادر وی از زمین بیرون ماند، بنابراین بعدها دانستند که در این مکان زنی مدفون شده است، و سپس بر روی آن نقطه یک بقعه و بارگاه ساختند.» و هم‌اکنون ظاهراً بقعه‌ی بی‌بی شهربانو، واقع در سه کیلومتری شهر ری و در ابتدای جاده‌ی ورامین، مدفن این بانوی بزرگوار می‌باشد که البته در این خصوص هیچ نوع سند یا مدرک تاریخی که آمدن شهربانو را به شهر ری بیان کرده باشد، وجود ندارد.

ناشر - زمستان ۱۳۹۴

۱. به کتاب معارف اثر «ابن قتیبه» مراجعه شود.

درباره‌ی نویسنده

رحیم‌زاده صفوی در سال ۱۲۷۳ خورشیدی در خراسان به دنیا آمد. نام اصلی‌اش سلطان علی‌اصغر و پدرش میر سیدرحیم نام داشت. میر سیدرحیم که از نوادگان شاه اسماعیل صفوی به شمار می‌آمد، در اتریش و شمال آفریقا در رشته‌ی پزشکی تحصیل کرد و پس از بازگشت به وطن در عهد سلطنت ناصرالدین شاه، به عنوان «ناظر دارالشفاء» بیمارستان آستان قدس رضوی برگزیده شد. رحیم‌زاده هنگامی به دنیا آمد که پدرش ۷۴ سال داشت.

او در مدرسه‌ی «معرفت» مشهد (که بعدها به مدرسه‌ی علمیه مشهور شد) به تحصیل پرداخت که برای تکمیل تحصیلات به تهران آمد و سپس راهی بیروت شد، و پس از جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در اداره‌ی کل گمرک که توسط مستشاران بلژیکی اداره می‌شد به کار مشغول شد.

رحیم‌زاده فعالیت‌های سیاسی خود را با سردبیری روزنامه‌ی «چمن» (ارگان حزب دموکرات خراسان) آغاز کرد، که در پی منحل شدن حزب مزبور، به تهران آمد و با روزنامه‌ی معروف «ایران» همکاری کرد و بعد هم مدتی سردبیر روزنامه‌ی «ستاره‌ی ایران» شد، اما در سال ۱۳۰۱ خورشیدی روزنامه‌ی «آسیای وسطی» را در تهران تأسیس کرد که البته یک سال بعد این روزنامه توقیف شد، زیرا رحیم‌زاده مقاله‌ی بسیار تندی را علیه رضاخان سردار سپه به مناسبت عزیمت احمدشاه از ایران نوشته بود.

ایشان در دوره‌ی پنجم مجلس (۱۳۰۴ - ۱۳۰۲)، که یکی از دوره‌های بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ ایران است، از ساوجبلاغ مکری (مهاباد) به نمایندگی انتخاب شد و به مجلس راه یافت. در آذر ۱۳۰۳ که زمزمه‌ی سلطنت احتمالی رضاخان بر سر زبان بود، رحیم‌زاده صفوی از طرف محمدحسن میرزا (ولیعهد احمدشاه) و مرحوم مدرس به اروپا اعزام شد تا مقدمات بازگشت احمدشاه را به ایران فراهم کند. رحیم‌زاده در آبان ۱۳۰۴ به ایران بازگشت ولی طبق دستور رضاخان بازداشت شد و تا دهم آبان ۱۳۰۴ (یک روز پس از تشکیل مجلس مؤسسان و انقراض قاجاریه) در زندان بود.

وی در سال ۱۳۰۷ به افغانستان رفت و در وزارت خارجه‌ی آن کشور به خدمت پرداخت. سپس راهی هند شد و سردبیری روزنامه‌ی «حیل‌المین» را عهده‌دار شد. سپس دو

سال بعد به ایران بازگشت و در دستگاه دولت مشاغلی را عهده‌دار گردید (مترجم اداره‌ی قوانین وزارت دادگستری، رئیس بازرسی کل کشور و...).

رحیم‌زاده دوباره در سال ۱۳۱۶ مورد غضب رضاشاه قرار گرفت و مدتی را در زندان گذراند. او در سال ۱۳۲۱ سردبیر روزنامه‌ی «ایران» شد و در ۱۳۲۲ بنا به تقاضای ملک‌الشعراى بهار، سردبیری روزنامه‌ی «نوبهار» را پذیرفت.

رحیم‌زاده صفوی در آذر ۱۳۲۸ در سن ۶۵ سالگی بر اثر سکته‌ی مغزی درگذشت. شادروان رحیم‌زاده صفوی به زبان‌های فرانسه، انگلیسی، روسی و عربی تسلط کامل داشت و آشنایی کمی نیز با زبان‌های یونانی و سانسکریت داشت. وی آثار متعددی را در دوران حیات خود به رشته‌ی تحریر درآورد که شامل ۱۴ کتاب و تعداد زیادی مقالات تاریخی، اقتصادی و اجتماعی است. آثار منتشرشده‌ی او عبارتند از:

- ۱- ایران اقتصادی (دو جلد، ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ خورشیدی).
- ۲- داستان نادرشاه (نمایش‌نامه‌ی تاریخی، ۱۳۱۰ خورشیدی).
- ۳- یادداشت‌های خسرو اول انوشیروان (۱۳۱۰ خورشیدی).
- ۴- داستان شهربانو (چاپ نخست: ۱۳۱۰، چاپ دوم: ۱۳۲۷ خورشیدی).
- ۵- سبک‌شناسی یا شیوه‌ی خط نوین (۱۳۲۸ خورشیدی).
- ۶- مرد سال و مردان سیاست (۱۳۳۱ خورشیدی).
- ۷- جنگ‌های صلیبی (سه جلد، ۱۳۲۴ خورشیدی).
- ۸- بیژن و منیژه (۱۳۳۴ خورشیدی).
- ۹- سرگذشت سه اختر تابناک ایران: سعدی، حافظ و ابن‌سینا (۱۳۳۵ خورشیدی).
- ۱۰- شوخی علماء (۱۳۳۵ خورشیدی).
- ۱۱- شرح جنگ‌ها و تاریخ زندگانی شاه اسماعیل صفوی (۱۳۴۱ خورشیدی).
- ۱۲- شاه عباس کبیر (نمایش‌نامه‌ی تاریخی).
- ۱۳- پدر و مادر. ۱۴- خاطرات سیاسی.

به‌طوری که از شرح حال کوتاه وی برمی‌آید، رحیم‌زاده صفوی مردی فاضل، ادیب، وطن‌دوست، مبارز و نویسنده‌ای توانا بود که یادش همواره اذهان خواهد ماند.^۱

۱ برای آگاهی بیش‌تر بنگرید به: اسرار سقوط احمدشاه؛ رحیم‌زاده صفوی، به کوشش بهمن دهگان، انتشارات فردوسی، تهران، ۱۳۶۳.

مقدمه‌ی نویسنده

مدتها بود که می‌خواستم نتیجه سال‌ها زحمت خودم را در تاریخ ایران به نظر هموطنانم برسانم. اسباب مختلفی مرا ترغیب کرد که تاریخ خود را لباس داستان بیوشانم تا خواننده با رغبت و لذت بیشتری آن را بخواند و مقصود من که نشر تعلیم نکات تاریخی است صورت گرفته باشد.

این سلسله داستان‌هایی که می‌نگارم از آخر عهد ساسانیان آغاز شده و به عصر حاضر انجام می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین امتیازات این تألیف آن است که هر چند تاریخ را به لباس داستان درآورده‌ام ولیکن مطالب مهم و زمینه‌ی اصلی و تقریباً تمام پیکره‌ی آن، تاریخ است و می‌توانم با سرفرازی ادعا نمایم که تا به حال هیچ‌گاه تاریخی به زبان فارسی تدوین نیافته است که تا این اندازه وافر از اسناد و روایات مغرب و مشرق اقتباس کرده باشد، آن چه را بزرگان فن تاریخ، درباره‌ی حوادث و اوضاع چهارده قرن گذشته ایران نوشته‌اند، تا آنجا که من در کتابخانه‌های ایران و اروپا دیده‌ام، سرجمع ساخته و با نتایج فحص و بحث و تتبعات خویشان در این سلسله از داستان‌ها گنجانده‌ام.

علم تاریخ تا امروز از حیث اهمیت در ردیف شریف‌ترین علوم دنیا قرار گرفته و به همین دلیل است که بزرگان اروپا یک حرف و یک کلمه از هیچ‌کس نسبت به تاریخ نمی‌پذیرند مگر آن‌که مستند به تاریخ باشد و تاریخ را مؤلفات نویسندگان آثار روی زمین، آثار زیر زمین و روایات و غیره تشکیل می‌دهد که برای قبول هر نکته‌ی تاریخی قواعد و قوانینی وجود دارد و بالاخره چون دنیای امروز مطلب من‌درآوردی و بدون سند را رد می‌کند من هم در چاپ اول از استادان فن پیروی کرده هر نکته تاریخی را که نوشته‌ام اسناد آن را نیز در خاتمه‌ی فصل متذکر

شده‌ام. اهل فن می‌دانند که در نگاشتن یک داستان، اتکاء به اسناد کاری سهل نیست، ولیکن من قبول زحمت را به دو سبب بر خویشتن هموار کرده‌ام؛ یکی ترویج اصول جدید تاریخ‌نویسی، دیگر تعلیم حقایق تاریخی به نوعی که واقعاً سودمند باشد.

نکته دیگری که در این کتاب رعایت شده، این است که هر جا پهلوان یا عروس داستان ایرانی‌نژاد است، گفتگوی وی تماماً به پارسی سره و عاری از لغات اجنبی نگارش یافته است. امیدوارم هموطنان گرامی خاصه اهل فضل و هنر این اثر ناچیز را با نظر تشویق نگرند و اگر عیب و نقصی در آن ببینند به اصلاح و تکمیلش بکوشند و از قصورش نگارنده را مطلع سازند.

تهران اردیبهشت ۱۳۰۰ خورشیدی، ۱۳۴۴ قمری
رحیم‌زاده صفوی

دیباچه

توضیحات جغرافیایی

باید به یاد آوریم که مقصود مؤلف از توضیحاتی که می‌دهد نوشتن جغرافیا یا فرهنگ نیست زیرا اضافه‌ی یک مقدمه‌ی علمی بر این داستان طبعاً سبب کسالت خوانندگان خواهد شد، در این جا مقصود آن است که از شهرها و آبادی‌های بسیاری که هنگام حمله‌ی عرب در سرزمین بین‌النهرین موجود بوده و مؤلف در طی داستان جنگ‌ها ناچار اسمی از آن‌ها برده است توضیح مختصری بدهد، زیرا اکثر این ولایات را مورخین اسلامی با اسامی عربی یاد کرده‌اند و ما در این داستان نام فارسی آن‌ها را آورده‌ایم و به علاوه چون امروزه از آن آبادانی‌ها اثری به جا نمانده و در کتب جغرافیای کنونی نشانی از آن‌ها نیست، دانستن موقع و مکان آن سرزمین‌ها طبعاً برای خوانندگان این داستان دشوار می‌نمود و توضیح ما از نام و نشان و محل آن‌ها سزاوار بود.

بین‌النهرین به دو بخش تقسیم می‌شود یکی بین‌النهرین شمالی که اعراب آن را جزیره نامیده‌اند و قبل از اسلام دشت «اغور» نام داشته و حدود آن از سمت شمال به ولایت ارزنه‌الروم و سرچشمه‌های رود ارس می‌رسیده و از شمال شرقی و مشرق به ولایت وان و کردستان شمالی که ناحیه‌ی کنونی ساوجبلاغ مگری باشد تا شهر زور و از شمال غربی به ولایت مرعش و ارمنستان صغیر و از مغرب به حدود بر شام متصل بوده است که هم‌اکنون کاروان اتومبیل از آن جا می‌گذرد و اما حد جنوبی جزیره را بایستی خطی فرض کنیم که از ولایت تکریت و ساحل دجله تا ناحیه‌ی کوته در کنار فرات امتداد یافته باشد، در عهدی که مسلمانان به جزیره حمله کردند، ایالت مزبور مابین ایران